

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

راهِ ناپیدا!!

ای خوش آن شبها که همراه تو در مهتابها
بی قـــرار یها کنیم و کشتی شوق افکنیم
از می و جام و صراحی و دف و چنگ و سرود
یا تو بنشینی و من، برخـــاسته، پاروزان
یا تو برخیز و من بنشسته، اندر پای تو
یا تو بکشائی نظـــر بر صفحه خاموش آب
یا تو بر بندی کـــمـــر، بر عزم مستی و سرور
از خـــلال موج مویت، پرتو سیمین ماه
با ســـر گیسوی تو بازیکنان از تار دل
سجده ها بر طـــاق ابرویت کنم از شوقها
تابها بر کـــاکلت افتاده باشد سربس
آنقدر افسانه ها گـــویم به گوشت از جنون
تو به خواب اندر شوی و من ز خود بیرون روم
بسپریم راهی که ناپیدا است انجامش به چشم

در دل دریاچه ای آرام، چون سیمابها
همچو نیکیها، به صد امید در گردابها
دسته ها گیریم با خود، این چنین اسبابها
پیشتر رانـــسم، به تو گویم ز الفت بابها
جامها بر سر بیـــارم، از شراب نابها
یا من آهنگ حـــزینی سر کنم با آبها
یا من از مستی کـــنم در گوش تو آلابها
سیمگـــون افتد به روی موجهای آبها
نغمه ها سازم برون با ناخـــن مضرابها
همچو شیخ معتکف در گوشه محرابها
من خـــورم پیشت چو مرغ کشته پیچ و تابها
تا بَرَد آخر ترا بر زانـــوی من خوابها
تا بَرَد ما را چنـــن، از بیخودیا آبها
عشقها ورزیم در این ورطه نایابها

زندگی گـــردابها دارد «اسیر»، از ساعتی

وارهیم از این همه گـــردابها، سیلابها

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۱۷ قوس ۱۳۳۷ ش)